

An Analytical Study on Alternative Punishment for Juvenile Delinquency

Mehrnoosh Abouzari¹

Abstract

Juvenile delinquency is a form of declaration of incompatibility with the community and a sign of danger in the possibility of their survival in a criminal abduction. The main purpose of applying the guarantees of execution and punishment in dealing with juvenile delinquency is to reform, educate and reconcile them and, above all, seek criminal justice measures to rehabilitate and prepare the person for returning to society. Therefore, it seems that the imprisonment and punishment of liberation cannot be effective in achieving these goals and that violent and violent attacks can lead to a proper and incorrect bias in their behavioral system. As a result, alternative prison sentences for juvenile offenses, influenced by the teachings of restorative justice, will be more than anything else. Penalties that are imposed by the court, with the participation of the public and civil society in the community, with regard to the offense of commission, the personality and criminal record of the offender, the frequency of committing the crime, the situation of the victim and the effects of the commission of the crime. Measures such as periods of care, residence, maintenance at the end of the week, electronic surveillance, free public services and advocacy institutions such as postponement of the sentence, quash, suspension of prosecution, file archiving, exemption from punishment, criminal mediation, suspension Penalties, the semi-liberation system and probation freedoms allow the offender to compensate for the mistake of committing and harming the community and feeling responsible and efficient in society.

Although it should be noted that excessive punishment for substitute imprisonment, regardless of the family context,

1. Assistant Professor and Faculty Member of Tehran University, Department of Criminal Law and Criminology, Tehran, Iran.

Email: mhrnshabouzari@ut.ac.ir

environment of the life and economic conditions of an adolescent, is a kind of abandonment of his insecure circumstances in his life that led him to delinquency and now again It is in this environment that may result in serious and persistent criminal offenses; in such cases, the calm and discipline of keeping in the center of reform and education and training institutions are preferable to such actions. This paper examines the bases and types of alternatives to juvenile delinquency penalties and then explains the critical attitude of some enforcement instances and possible objections to the imposition of alternative prison sentences.

Keywords

Punishment for Imprisonment, Delinquency, Juvenile Crime, Correction, Rehabilitation

Please cite this article as: Abouzari M. An Analytical Study on Alternative Punishment for Juvenile Delinquency. *Child Rights J* 2019; 1(2): 133-154.

بررسی تحلیلی مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم نوجوانان

مهرنوش ابوذری^۱

چکیده

بزه‌کاری نوجوانان نوعی اعلام ناسازگاری با جامعه و یک نشانه خطر در زمینه احتمال ماندگاری آنان در ورطه مجرمانه به شمار می‌رود. هدف اصلی اعمال ضمانت اجرا و کیفر در برخورد با جرائم نوجوانان، اصلاح، تربیت و بازسازی آنان بوده و بیش از هر چیز، تلاش تدابیر عدالت کیفری به سمت بازپروری و آماده‌نمودن فرد در بازگشت به جامعه می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد حبس و مجازات‌های سالب آزادی نمی‌تواند جهت دستیابی به این اهداف چندگان کارآمد باشد و چه بسا برخوردهای قهرآمیز و شدید می‌تواند به سوگیری درست و نادرست نظام رفتاری آنان بیانجامد. در نتیجه مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم نوجوانان، تحت تأثیر آموزه‌های عدالت ترمیمی، بیش از هر چیز تأثیرگذار خواهد بود. مجازات‌هایی که با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتكاب جرم توسط دادگاه تعیین و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجتماع به اجرا درمی‌آیند. اقداماتی از قبیل اعمال دوره مراقبت، اقامت در منزل، نگهداری در روزهای پایان هفته، نظارت الکترونیک، خدمات عمومی رایگان و نهادهای ارفاقی مانند تعویق صدور حکم، ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی‌کردن پرونده، معافیت از کیفر، میانجی‌گری کیفری، تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط به مجرم فرصت می‌دهد تا درصدد جبران خطای ارتكابی و آسیب وارده به جامعه برآمده و احساس مسؤولیت‌پذیری و کارآمدی در جامعه کند، گرچه باید در نظر داشت افراط در مجازات جایگزین حبس، بدون در نظر گرفتن بسترهای خانوادگی، محیط زندگی و شرایط اقتصادی یک نوجوان، نوعی رهاکردن وی در شرایط ناامن موجود در زندگی‌اش است که او را به سمت بزه‌کاری سوق داده بود و اکنون بار دیگر به همین محیط سپرده می‌شود که چه بسا منتج به وقوع جرائمی جدی و مزمن‌شدن بزه‌کاری در وی

۱. استادیار و عضو هیأت‌علمی دانشگاه تهران، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران.

Email: mhrnshabouzari@ut.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۵

گردد؛ در چنین مواردی، آرامش و انضباط نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و مؤسسات تربیتی بر این قبیل اقدامات ترجیح دارد. در این مقاله، به بررسی مبانی و اقسام مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم اطفال پرداخته و سپس نگرش انتقادی پیرامون برخی مصادیق اجرایی و همچنین ایرادات احتمالی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس مورد تبیین قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

مجازات جایگزین حبس، بزه‌کاری، جرائم نوجوانان، اصلاح، بازپروری

مقدمه

کودکان و نوجوانان از این حیث که موجودات انسانی هستند، همسان با بزرگسالان از حقوق کامل بشری برخوردارند، اما از آن جهت که به دلیل ویژگی‌های روانی و عاطفی و رشدی، متفاوت با بزرگسالان هستند، شایسته حمایت‌های خاص و ویژه و افتراقی می‌باشند (۱).

کودک هرچند مرتکب بزه شود، اما از آنجا که از حیث جسمانی و روانی ضعیف می‌باشد، یک بزه‌دیده پنهان است و از آنجا که در بزرگسال آینده جامعه خواهد بود، باید از رفتارهای خشنی که می‌تواند به کودک تحمیل گردد یا به دنبال سوء معاشرت، او را به ورطه بزه‌کاری گرفتار سازد، اجتناب نمود (۲).

بنابراین به دلیل فقدان یا مخدوش بودن اراده مجرمانه در اطفال و متفاوت بودن شخصیت و نیازها و احساسات و عواطف اطفال از بزرگسالان، رویکرد اصلاح و درمان و بازدارندگی از راه اعمال جایگزین کیفر به جای تنبیه و سرکوب و ترجیح پیشگیری از جرم آینده بر اعمال کیفر نسبت به جرم فعلی، امروزه تأکید بر این است که نسبت به ارتکاب جرم از سوی اطفال، رویه‌ای متفاوت با آنچه در مورد بزرگسالان مرسوم است، به اجرا درآید. این رویکرد که از آن به دادرسی کیفری افتراقی یاد می‌شود، مؤلفه‌ها و اقتضائاتی دارد که مبتنی بر ارفاق، کاهش سختگیری‌ها، تسامح، رویکرد بر آینده به جای گذشته، اصلاح مداری، درمان محوری و بینش بازپرورانه است (۳).

یکی از مهم‌ترین موضوعات در این مورد، اجرای جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان است، لذا حبس اطفال بزه‌کار بر پایه معیارهای ناظر به عدالت کیفری کودکان و نوجوانان باید جنبه کمینه داشته باشد، یعنی فقط در صورت ضرورت باید از این پاسخ در فرایند کیفری بهره جست. توجه جرم‌شناسان به کیفرهای جایگزین خصوصاً در قبال اطفال بزه‌کار، سبب شده تا برخی از اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان و در پی آنان شماری از مقررات ملی، به کارگیری مجازات‌های مذکور در قبال این دسته از بزه‌کاران را به رسمیت بشناسند (۴).

به این جهت که کودکان و نوجوانان بزه‌کار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هر گونه تصمیم از سوی کنشگران عدالت کیفری می‌تواند در آینده رفتاری آنان تأثیرگذار باشد. بنابراین هدف از واکنش‌ها باید بیشتر در راستای برطرف کردن خلأهای تربیتی مربوط به آنان باشد، لذا بازپروری اطفال بزه‌کار و برطرف کردن خلأهای تربیتی رشد آنان، همواره بنیادی‌ترین هدف حقوق کیفری اطفال می‌باشد (۵).

واکنش‌های تنبیهی از جمله توسل به مجازات حبس، بایستی صرفاً در صورت کارسازنبودن سایر تدابیر اجرا گردد، چراکه نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه‌جانبه و مطلق مجازات‌ها عملیاتی نمی‌گردد، لذا نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه‌جانبه و مطلق مجازات‌ها عملیاتی نمی‌گردد (۶).

مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌های اجتماعی در مورد اطفال بزه‌کار، تحت تأثیر عدالت ترمیمی، بیش از هر چیز مورد تأکید و توجه است. این مجازات‌ها، بر اساس جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتكاب جرم توسط دادگاه تعیین و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجتماع به اجرا درمی‌آیند.

در واقع، هدف از این واکنش‌ها، عدم توسل به زندان یا کاهش مدت زندان می‌باشد، چنانکه عقیده بر آن است که حبس و مجازات سالب آزادی نمی‌تواند چندان کارآمد باشد و این مجازات باید به عنوان آخرین راه چاره باشد و اگر کودک با تذکر و مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماعی و جزای نقدی متنبه می‌شود، نباید از مجازات سالب آزادی استفاده شود.

توسل به تدابیر جایگزین نظیر جایگزین‌های حبس، بدین معناست که نظام دادرسی اطفال، نه‌تنها به دنبال مجازات کودکان و نوجوانان نیست، بلکه از سایر ظرفیت‌های قانونی و قضایی برای پاسخ‌دهی به بزه ارتكابی خردسالان بهره می‌گیرد تا به اهداف مورد نظر خود دست یابد، زیرا آنچه مهم است این‌که واکنش‌های اجتماعی نسبت به بزه ارتكابی کودکان و نوجوانان، باید دارای ماهیتی حمایتی - تربیتی بوده و

به منظور حس مسؤولیت‌پذیری و انعقاد شخصیت متعادل در آنان تعیین و اجرا گردند (۷).

در توجیه مبانی جایگزین‌های حبس در مورد اطفال، از منظر اخلاقی، عقیده بر آن است که کودک صاحب کرامت و منزلت انسانی بوده و دارای ویژگی عاطفی و روانی خاصی است، لذا باید نگاه متفاوتی پیرامون بزه‌کاری آنان اتخاذ شود که از منظر مبانی اجتماعی، اطفال به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌بایست مورد حمایت اجتماعی قرار گرفته و نیازها و احساساتشان لحاظ گردد که آموزه‌های جرم‌شناسی و تأکید اسناد بین‌المللی نیز بر این امر تأکید دارند.

بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا میان حضور مدت دار اطفال بزه‌کار و گرایش آنان به پایداری در ورطه بزه‌کاری پیوند وجود دارد. از این رو واگذاری اختیار پاسخ‌دهی به این دسته، می‌تواند ضمن کم‌مدت کردن حضور آنان در عرصه عدالت کیفری به ارائه یک پاسخ به منظور بازسازی نظام شخصیتی این قشر بیانجامد (۸).

اقسام جایگزین‌های سالب آزادی گاه از حیث هدف و ماهیت با یکدیگر متفاوتند و بر این اساس می‌توان آن‌ها را در قالب دستورهای بازپرورانه، توان‌گیرانه و ترمیمی دسته‌بندی نمود. دستورهای بازپرورانه دربرگیرنده آن دسته از تکالیف هستند که مرتکب را به سمت اصلاح و درمان سوق می‌دهند و زمینه بازسازی نظام شخصیتی وی را فراهم می‌آورد. به طور مثال الزام به ترک اعتیاد یا اقدامات پزشکی و روانپزشکی و یا شرکت در کلاس‌ها و جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای از مواردی است که زمینه پاکسازی و اصلاح روح و جسم فرد را فراهم می‌سازد.

در دستورات توان‌گیر، امکان قرارگرفتن مرتکب در فرصت‌های مساعد بزه‌کاری از وی زدوده می‌شود، مانند خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه‌دیده برای مدت معین یا خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین که دارای کارکرد سلب توان اطفال بزه‌کار هستند و آنان را از قرارگرفتن در موقعیت‌های مجرمانه نوپیدا دور می‌سازند. در اقدامات ترمیمی نیز به مصالح و منافع بزه‌دیده نیز

توجه می‌شود، مثلاً ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده از مصادیق اقدامات ترمیمی می‌باشد.

گفتار اول: بررسی گونه‌های نوین جایگزین‌های حبس

پاسخ‌های مربوط به اقدامات سلب آزادی اعم از بازداشت موقت و محکومیت به حبس، در مورد اطفال متهم و بزه‌کار چندان مورد تأیید نبوده و تلاش در اقدامات کمینه در این زمینه می‌باشد که از رهگذر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این امر در مرحله پیش دادرسی و محاکمه لحاظ شده است. قانون مذکور با لحاظ شرط سطح حالت خطرناک مرتکب، گرایش و ظرفیت وی به سمت ارتکاب دوباره بزه‌کاری و استعداد سازگاری اجتماعی مرتکب، جایگزین‌های سلب آزادی را پیشنهاد داده که در ادامه بررسی می‌شود.

۱- جایگزین‌های سلب آزادی در دوران پیش دادرسی

گرایش سیستم دادرسی به برخورد غیر رسمی با جرائم اطفال و نوجوانان بدون توسل به روند دادرسی رسمی و اتخاذ تصمیم از طریق ارجاع به برنامه‌های ویژه و نهادهای خارج از سیستم قضایی، قضا‌دایی نام دارد و اگر امکان قضا‌دایی از همان ابتدایی‌ترین مراحل و توسط مراجع غیر قضایی میسر باشد، دادرسی عادلانه اطفال به اهداف خود نزدیک‌تر خواهد شد.

۱-۱- **بایگانی کردن پرونده کیفری:** بر اساس ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقام قضایی اختیار پیدا می‌کند تا با توجه به ماهیت رفتار مجرمانه ارتکاب یافته و ویژگی‌های متهم، نسبت به توقف فرایند تعقیب دعوی کیفری تصمیم‌گیری کند. این شیوه فرصتی در اختیار اطفال بزه‌کار قرار می‌دهد تا بدون دریافت برچسب بزه‌کاری به سمت اصلاح و هنجارپذیری پیش روند. این روش دارای دو نوع ساده و مشروط است. در گونه ساده دادستان پس از سنجش اوضاع و احوال می‌تواند نسبت به کنارگذاری پیگرد دعوی کیفری و مختومه کردن پرونده مبادرت

ورزد، بی‌آنکه برای اجرا شدن این شیوه به انجام اقداماتی محول شود، اما در گونه دوم، معمولاً دادستان کنارگذاری تعقیب دعوی کیفری را به متعهدشدن بزه‌کار به انجام اقداماتی مانند مراجعه به مراکز اصلاحی - درمانی، ممنوعیت از اقامت در مکان‌های ویژه و جبران آسیب‌های بزه‌دیده منوط می‌نماید.

۲-۱- تعویق تعقیب دعوی کیفری: بر اساس ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق هستند، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. بدین ترتیب در پرونده‌های کم‌اهمیت و جرائم با اطفال بزه‌کار دادستان می‌تواند ادامه پیگرد را برای دوره‌ای معین به تأخیر بیاورد.

۳-۱- تعلیق تعقیب دعوی کیفری: طبق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم کم‌خطر، تعقیب دعوی کیفری مرتکب در یک دوره زمانی مشخص کنار گذاشته می‌شود تا امکان تحصیل رضایت شاکی یا جبران خسارت را مهیا سازد.

۴-۱- ترک تعقیب: بر اساس ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری شاکی می‌تواند در جرائم قابل گذشت یک بار درخواست ترک تعقیب دهد.

۵-۱- میانجی‌گری کیفری: مطابق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. میانجی‌گری کیفری که روش خاتمه‌دادن به دعوی کیفری بر اساس مصالحه و مذاکره طرفین و بازسازی آنان می‌باشد، در عرصه عدالت کیفری اطفال مورد تأکید واقع شده است.

۲- جایگزین‌های سلب آزادی در دوران دادرسی

مقام قضایی باید با تشکیل پرونده شخصیت، وضعیت رفتاری مجرم را مورد سنجش قرار دهد، زیرا شناسایی دقیق جنبه‌های مختلف شخصیت بزه‌کار فرصت اتخاذ

مناسب‌ترین تصمیم قضایی - کیفری را در اختیار مقام قضایی گذارده و در نتیجه بر دقت نظام عدالت کیفری در پاسخ‌دهی به بزه‌کاران می‌افزاید. تلاش بر این است که اتخاذ هر یک از روش‌های ذیل بر اساس شرایط و ویژگی‌های مرتکب، سبب شود تا حس مسؤولیت‌پذیری در آنان تقویت شود و از آنجا که این دسته از بزه‌کاران در فرایند رشد و کسب هویت اجتماعی قرار دارند، تعهد به اجرای این دستورات، روحیه قانون‌پذیری و کسب هویت یک انسان قانون‌مدار را در آنان ایجاد می‌کند، علاوه بر این که از عواقب جبران‌ناپذیر الصاق برچسب مجرمانه هم جلوگیری می‌شود.

۱-۲- تخفیف مجازات: بر اساس ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال را به اقدام دیگری تبدیل نماید که هدف تبدیل آن به گونه متناسب دیگری است که جهت رهایی طفل بزه‌کار از چرخه بزه‌کاری و عدالت کیفری قابل اعمال باشد.

۲-۲- معافیت از کیفر: بر اساس ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی، در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند در صورت گذشت شاکی و فقدان سابقه کیفری و جبران ضرر و زیان، حکم به معافیت از کیفر دهد.

۳-۲- تعویق صدور حکم: مطابق با ماده ۴۰ و ۹۴ قانون مجازات اسلامی در کلیه جرائم تعزیری برای اطفال بزه‌کار با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوال موجب ارتکاب جرم، صدور حکم تعزیری را به تعویق بیاندازد و در این مدت تعهدات و دستوراتی را برای وی ایجاد کند. در واقع، مقام قضایی با بررسی شرایط بزه‌کار و در نظر گرفتن خصیصه‌های فردی و محیطی او، با وجود احراز مجرمیت، به جای مجازات‌کردن بزه‌کار، فرصت هم‌نواشدن با هنجارهای قانونی و به‌سازی رفتاری را به وی می‌دهد تا در صورت مناسب‌بودن رفتارهای بزه‌کار در دوره تعویق، مقام قضایی او را از تحمل کیفر معاف کرده و یا در میزان مجازات او کاهش دهد (۹).

۴-۲- نظام نیمه آزادی: بر اساس ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظام نیمه آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر آن را در خارج از زندان انجام دهد که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر می‌باشد.

۵-۲- مجازات‌های جایگزین حبس: تحمیل این پاسخ بر اطفال بزه‌کار دارای مزیت‌های متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش احتمال زدن برچسب مجرمانه، کم‌کردن هزینه‌های عدالت کیفری، کاهش شمار زندانیان، تقویت جنبه‌های بازپرورانه نظام عدالت کیفری، کاهش احتمال ایجاد اختلال در روند زندگی کودکان و نوجوانان و ماندگاری در کنار خانواده اشاره کرد.

۱-۵-۲- جایگزین‌های عمومی: در این گروه، جایگزین‌های حبس که به طور کلی و در مورد کلیه مجرمان اعم از بزرگسال و افراد زیر ۱۸ سال اعمال می‌گردد، مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرد.

- دوره مراقبت: دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام برخی دستورات ملزم می‌شود که شامل تدابیر عام صرف نظر از جرم ارتكابی و تدابیر خاص بر اساس جرم فرد جهت بازپروری وی و حفاظت جامعه، مانند ترک اعتیاد یا مراجعه به روانپزشک می‌باشد. شیوه مراقبت و نظارت بستگی به موقعیت اجتماعی محکوم علیه و مقتضیات اجرای دستور دادگاه دارد.

- کار عام‌المنفعه یا خدمات عمومی رایگان: این خدمات که دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، توانایی جسمی و روانی و مهارت شخصی تعیین می‌کند، به مجرم پیشنهاد می‌دهد با انجام کاری که به نفع جامعه است، درصدد جبران خطای ارتكابی خود باشد که به جامعه پذیری فرد کمک می‌کند و باعث افزایش احتمال اصلاح مرتکب، کاهش خطر تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق کار و جبران خسارت از طریق کاری که به نفع جامعه است، می‌شود که در واقع، کیفری قراردادی و آگاهانه برای مسؤلیت‌پذیری مرتکب است.

اقداماتی مانند کار در بیمارستان و آسایشگاه سالمندان، شرکت در کلاس‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای و بهداشتی، پاک‌سازی بزرگراه‌ها، پارک‌ها و اماکن تفریحی از این جمله است که در مورد اطفال پانزده تا هجده سال تمام شمسی و به میزان چهار ساعت در روز قابل اتخاذ است.

- نظارت الکترونیک: مطابق با ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در جرائم تعزیری درجه پنج تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد.

- جزای نقدی: به موجب ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقام قضایی می‌تواند برای پاسخ‌دهی به جرائم تعزیری نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال از جزای نقدی استفاده کند که میزان جزای نقدی با توجه به شدت جرم ارتكابی نوسان می‌یابد.

۲-۵-۲- جایگزین‌های اختصاصی: در این قسمت، مصادیق جایگزین حبس که اختصاصاً در مورد افراد ۹ تا ۱۸ سال قابل اعمال است و به بازسازی نظام شخصیتی اطفال بزه‌کار توجه دارد، بررسی و تبیین می‌شود.

- نصیحت توسط قاضی دادگاه: در این راه‌کار قانونی در قبال طفل بزه‌کار، قاضی دادگاه درصدد سفارش نصیحت و آشناساختن وی با ارزش‌ها و یادآوری هنجارهای اخلاقی و الزام وی به رعایت آن‌ها برمی‌آید، زیرا سوق‌یافتن یک فرد کم‌سال به سمت بزه‌کاری به نوعی کوتاهی والدین در روند جامعه‌پذیری وی را نشان می‌دهد که مقام قضایی درصدد جبران این نقیصه تلاش خواهد کرد.

- اخطار و تذکر به عدم تکرار جرم: در این روش مقام قضایی به طور رسمی به بزه‌کار اخطار و یا تذکر می‌دهد که رفتار ارتكاب یافته آنان ناپسند بوده و دارای جنبه کیفری است و در صورت تکرار برخورد قضایی به صورت مجازات و کیفری خواهد بود.

- اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم: در این شیوه، مرتکب جرم تعهد کتبی به مقام قضایی می‌دهد که از این پس مرتکب رفتار ناقض هنجارهای جامعه و قوانین نشود و به حقوق سایرین احترام بگذارد و دوباره از سوی وی جرمی واقع نشود.

- تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل بزه‌کار: از آنجا که خانواده نقشی اساسی در روند رشد و آسایش فردی دارد، لذا تلاش بر این است که تا حد ممکن فرد از خانواده خود جدا نشده و روند جامعه‌پذیری‌اش را در کانون خانواده و حریم آن ادامه دهد و با اخذ تعهد از والدین، تکلیف آنان بر اصلاح و تربیت کودکان را یادآوری کند. اتخاذ این روش منوط بر آن است که جرم ارتكابی تعزیری بوده و مرتکب نه تا پانزده سال داشته باشد.

لازم به ذکر است در صورتی که دادگاه مصلحت بداند می‌تواند از والدین یا سرپرستان طفل، تعهد به انجام اموری را اخذ نماید، اقداماتی مانند معرفی طفل به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت با افراد معین یا رفت و آمد در محل‌های معین. در واقع، دادگاه اطفال یا مقام صلاحیتدار پس از احضار والدین یا سرپرست قانونی وی طفل بزه‌کار، بعد از تشریح علت ارتکاب جرم، ایشان را متوجه سهل‌انگاری‌شان در هدایت و تربیت طفل نموده و لزوم مراقبت در آموزش و پرورش، اوقات فراغت و رفع اختلافات و ایجاد تفاهم در محیط خانواده را متذکر و پس از اخذ تعهد نسبت به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن رفتار، طفل را به اولیا یا سرپرست قانونی وی می‌سپارد.

این تدابیر در مواردی اعمال می‌شود که جرم منتسب به بزه‌کار از جرائم مهم نباشد و مشروط به این که ابوبین، خود به علت عدم اهمیت یا فساد اخلاقی، از نگهداری طفل محروم نشده باشد. بنابراین سپردن طفل به والدین در صورت رعایت شرط صلاحیت آنان، به سه شکل قابل اجراست:

- ۱- سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی با الزام به تأدیب؛
 - ۲- سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی با الزام به رعایت شرایط خاص؛
 - ۳- سپردن طفل به اولیا یا سرپرستان قانونی همراه با مراقبت و حمایت و هدایت.
- این تدابیر در بسیاری موارد، مؤثر و مفید واقع می‌شوند، اما گاه به علت عدم مراقبت

لازم از طفل پس از سپردن به والدین، ایشان مجدداً مرتکب بزه شده، به دادگاه اطفال اعزام می‌گردند.

- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی که دادگاه به مصلحت طفل بداند: گاه شماری از خانواده‌ها از انجام مناسب وظایفشان ناتوان هستند و سپردن اطفال معارض قانون یا در معرض خطر، به آنان می‌تواند زمینه ساز آسیب‌های بعدی برایشان باشد، لذا سپردن این اطفال به اشخاص حقیقی یا حقوقی داوطلب و صالح، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. به طور مثال، سپردن طفل بزه‌کار به اداره بهزیستی که یکی از نهادهای ساماندهی وضعیت کودکان و نوجوانان بدسرپرست است، از موارد توجه قانونگذار است. البته منوط به آنکه با توجه به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین که به موجب آن صحت جسمانی و تربیت اخلاقی طفل به تشخیص قاضی احراز گردد. مواردی مانند اعتیاد زیان‌آور به الکل و مواد مخدر یا قمار، اشتها به فساد اخلاق و فحشا، ابتلا به بیماری‌های روانی به تشخیص پزشکی قانونی، سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی، مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق، تکرار ضرب و جرح خارج از متعارف که علاوه بر بزه‌دیدگی اطفال، زمینه بزه‌کاری آنان را نیز فراهم می‌آورد، از موارد تشخیص قاضی برای تسلیم طفل بزه‌کار به اشخاصی غیر از والدین می‌باشد.

- اقامت در منزل: این واکنش در واقع شامل یک سلسله ضمانت اجراهای محدودکننده‌ای است که از تحمیل منع رفت و آمد شبانه تا حبس در منزل در ساعاتی غیر کاری یا غیر درسی مرتکب را دربر می‌گیرد که باعث دوری از آثار مخرب حبس و حفظ روابط و پیوندهای اجتماعی فرد با خانواده می‌شود.

- نگهداری در روزهای پایان هفته: در این اقدام، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا پنج که بزه‌کار پانزده تا هجده سال می‌باشد، موظف است روزهای پایان هفته، به مدت سه ماه تا پنج سال، خود را به کانون اصلاح و تربیت معرفی کند و در روزهای عادی هفته، به کار یا تحصیل خود مشغول باشد.

اما صرف نظر از کلیه موارد فوق که مورد ترجیح قانونگذار در خصوص جرائم ارتكابی اطفال بزه‌کار می‌باشد، در مورد نوجوانان پانزده تا هجده سال شمسی، در جرائم تعزیری درجه یک تا پنج، پاسخ سالب آزادی، یعنی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از شش ماه تا پنج سال که بسته به درجه و شدت جرم به تدریج و پلکانی افزوده می‌شود، در نظر گرفته شده است که در ادامه معایب و مزایای جایگزین‌های سالب آزادی در عین بررسی معایب و مزایای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار دوم: معایب و مزایای جایگزین‌های سالب آزادی

نوع برخورد جامعه با صغار بزه‌کار، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به گونه‌ای قاطع، سرنوشت آن‌ها را در آینده‌ای نه‌چندان دور رقم بزند، واکنش نامناسب و غیر منطقی، از آنان بزه‌کارانی حرفه‌ای در آینده خواهد ساخت، در حالی که واکنشی مناسب و شایسته آنان را مجدداً به آغوش جامعه باز خواهد گرداند و جامعه از آنان به عنوان افرادی شرافتمندانه استقبال خواهد کرد، لذا واکنش متخذه در برابر طفل باید از صورت تحمیل و تنبیه خارج شده و اصلاح و تربیت بزه‌کار را مورد نظر قرار دهد.

کما این که یکی از اهداف مهم در کیفرها، اصلاح بزه‌کار می‌باشد که در مجازات سالب آزادی، گاه این هدف محقق نشده و نه‌تنها اصلاحی صورت نمی‌گیرد، بلکه انواع راه‌کارهای جدید برای جرائم آینده در زندان به زندانیان آموزش داده می‌شود. این موضوع باعث می‌شود شخصی که برای بار اول وارد زندان می‌شود، به تدریج با محیط و مجرمین سابقه‌دار آشنا شده و همانند یک مجرم حرفه‌ای که برای جرائم آینده برنامه‌ریزی بیشتری دارد، به جامعه وارد شود (۱۰).

علاوه بر آن، وقتی فردی با مجازات حبس از خانواده محروم می‌شود، در حقیقت یک نیروی کار و اداره‌کننده خانواده از جامعه گرفته می‌شود و این یک خسارت است. از

طرف دیگر، با زندانی کردن فرد محکوم، خسارت نگهداری، تغذیه و حقوق زندانبانی نیز به جامعه و بیت‌المال تحمیل می‌شود.

علاوه بر این، وقتی فردی وارد زندان می‌شود برچسب بزه‌کاری برای او تثبیت می‌شود و دوستی‌هایی شکل می‌گیرد که زندانیان از این طریق تجارب ارتکاب جرم را با یکدیگر مبادله می‌کنند. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کم‌تر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت.

نتایج مطالعات و آمارها نیز نشان دادند که حبس، چه از منظر فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است (۱۱)، به خصوص، پیرامون جرائم خرد که دارای مجازات حبس کوتاه‌مدت است و فرصت و زمینه‌ای برای اعمال برنامه‌های اصلاحی و تربیتی فراهم نمی‌شود، لذا بسیاری از متخصصان حقوق کیفری با در نظر گرفتن این موارد و آموزه‌های نوین علوم جنایی، تلاش نمودند در قالب مجازات‌های سالب آزادی مانند حبس، اقدامات اصلاحی انجام دهند که زندانی‌کردن یک کیفر سزادهنده یا اربابی نباشد، بلکه فرصتی برای فراهم‌نمودن درمان مرتکب و آموزش مؤثر و اصلاح وی باشد (۱۲).

اسناد بین‌المللی نیز بر این امر تأکید دارند. تأکیدات اسناد بین‌المللی در این خصوص موجب ایجاد اصل «آخرین اقدام ممکن» شده است؛ به این معنا که حکم محرومیت از آزادی نباید مورد استفاده قرار گیرد، مگر این‌که هدف بازپروری نوجوان، به نظر قاضی به شیوه دیگری غیر از حبس تحقق نیابد، لذا این گروه با بررسی ویژگی‌های شخصیتی، امکان اصلاح و بازپروری و ذی‌ری مرتکب، تلاش نمودند زندان را محلی برای بازپروری و اصلاح قرار دهند.

البته حبس را به عنوان آخرین راه‌کار لحاظ نموده و بیش از هر چیز جایگزین‌های حبس را مورد توجه قرار دادند، گرچه در انتخاب مجازات‌های جایگزین حبس باید وضعیت اجتماعی و فرهنگی نیز لحاظ شود، لذا در کشورهای توسعه‌یافته‌ای که مجازات‌های جایگزین آثار بهتری نسبت به حبس دارند، امکاناتی چون ازدواج، اشتغال، حقوق اجتماعی، مسکن و آموزش مناسب به عنوان حداقل‌های زندگی تعریف شده

است. اکنون این سؤال باقی می‌ماند که آیا با شرایط موجود در جامعه که تمام زمینه‌های ارتکاب بزه از بین نرفته است، آیا مجازات‌های جایگزین، راه حل مناسبی است یا تلاش در سالم‌سازی محیط زندان پاسخگوی مناسب‌تری خواهد بود.

در واقع، اگر کودک یا نوجوانی مرتکب بزه شود، از قاضی انتظار می‌رود به گونه‌ای با وی برخورد کند که از ارتکاب مجدد بزه جلوگیری شود. بدین معنا که دست‌اندرکاران عدالت کیفری باید خصیصه‌های فردی و اجتماعی بزه‌کاران را لحاظ کرده و بر اساس آن متناسب‌ترین پاسخ را تعیین و اجرا کنند.

اصولاً قبل از توبیخ و تنبیه و مجازات اطفال بزه‌کار باید به بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی وی توجه شود، چنانکه در بسیاری موارد، فقر و کار کودکان موجب سوق‌یافتن آنان به سمت بزه‌کاری می‌شود، کما این‌که در بسیاری کشورها در ابتدا کودک خاطی دستگیر نمی‌شود، بلکه والدین وی مواخذه شده و سعی می‌شود حداقل شرایط و امکانات زندگی برای آن خانواده فراهم شود.

گرچه افراط در انتخاب مجازات‌های جایگزین حبس و حذف مجازات‌های سالب آزادی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نیز چندان مورد تأیید کامل و تصدیق نمی‌باشد، زیرا از یکسو، گاه شدت و وخامت بعضی از گونه‌های بزه‌کاری و ظرفیت جنایی شماری از اطفال بزه‌کار آن چنان است که پاسخ‌های سالب آزادی می‌تواند پاسخگو باشد.

همچنین نباید فراموش کرد که این افراد به دلیل نا به سامانی خانواده و بسترهای نامطلوب زندگی به سمت ارتکاب بزه سوق یافته و سپردن مجدد وی به خانواده و بازگشت به جامعه‌ای که از آن فاصله دارد لزوماً به معنی حمایت و اصلاح این اطفال نمی‌باشد.

خانواده اطفال بزه‌کار همیشه محیط مطلوبی برای بازپروری و بستری مناسب جهت بازگشت آنان به جامعه نیست. بزه‌کار بودن پدر، مادر یا سایر اعضای خانواده، گرایش آنان به اعتیاد مواد مخدر و... و پرخاشگری‌های خانوادگی از جمله مؤلفه‌های نامطلوب بودن محیط خانواده برای اصلاح و درمان اطفال بزه‌کار به شمار می‌روند.

کودکانی که در خانه‌هایی با نبود محبت و حمایت رشد می‌کنند، والدین آن‌ها مهارت رفتار مدیرانه ندارند و زندگی‌شان با اختلاف و بدرفتاری است که احتمال بزه‌کاری‌شان بیشتر است، در حالی که یک خانواده حامی حتی می‌تواند در محیط بیرونی بسیار خصمانه و آسیب‌زننده از فرزندان نگهداری کند. حفظ و نظارت از سوی والدین جنبه مدیریت خانواده است که همواره به بزه‌کاری وابسته است (۱۳).

کما این‌که تلاش‌های بسیار در زمینه اصلاح محیط کانون اصلاح و تربیت و ایجاد فضایی مطلوب برای نیازهای افراد زیر هجده سال نیز نباید نادیده انگاشته شود و چه بسا نگهداری این افراد در کانون اصلاح و تربیت، اقدامی مطلوب و صحیح‌تر می‌باشد تا انتخاب جایگزین حبس و رهاسازی وی در جامعه.

فرایند اقامت در کانون اصلاح و تربیت، بدین صورت است که در ابتدا آن‌ها در قسمت‌های مختلف از جمله نگهداری موقت، اجرای احکام، مددکاری، روانشناسی، واحد فرهنگی مورد پذیرش قرار گرفته و اقدامات لازم در مورد فرد جهت اصلاح و تربیت وی معمول می‌گردد.

به عنوان نمونه در واحد روانشناسی ابتدا آزمون‌های هوشی و شخصیت جهت تعیین ویژگی‌های شخصیتی و میزان بهره هوشی فرد به عمل می‌آید و سپس مصاحبه روانی اولیه توسط روانشناسان انجام می‌شود و در صورت تشخیص در فرد نوع درمان مربوطه، مانند روان‌درمانی، دارودرمانی، گروه درمانی، مشاوره با خانواده و... توسط متخصصان آغاز می‌گردد. در سایر قسمت‌ها نیز با توجه به اهداف و فعالیت‌های آن واحد اقدامات لازم جهت اصلاح و تربیت مددجو آغاز می‌شود.

کانون اصلاح باید نسبت به اجرای برنامه‌های ورزشی، تربیتی، اخلاقی، آموزشی، علمی و تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. همچنین انتظار می‌رود در زمینه درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان بزه‌کار اقدام‌های لازم به عمل آید تا از این رهگذر زمینه‌های بهبود شرایط جسمی و روحی و روانی آنان فراهم شود، در صورتی که این کودکان و نوجوانان

بزه‌کار مستقر در کانون از تحصیل محروم‌مانده امکان دسترسی به مدرسه را نداشته، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در چارچوب نظام آموزش و پرورش به اجرا درمی‌آید. بنابراین آموزش هنجارهای اجتماعی و اخلاقی به کودکان و نوجوانان بزه‌کار، مسیر جامعه‌پذیری را برایشان هموار می‌سازد، چه این‌که ارتکاب جرم از سوی کودکان و نوجوانان نشانه بارز نادرست تربیت‌شدن این دسته بوده و از این رو کانون اصلاح و تربیت می‌تواند با استفاده از قابلیت این دسته از کارگزاران خود اسباب اجتماعی‌شدن و بسترهای هم‌نوایی آنان با باید و نبایدهای اجتماعی را فراهم آورد.

همچنین پس از پایان مدت اقامت فرد در کانون و آزادی وی، فعالیت‌های مقدماتی و ابتدایی با عنوان مراقبت پس از خروج مطرح می‌گردد که شامل پیگیری و نظارت مستقیم امور مددجویان و اسکان مددجویانی است که سرپناه ندارند. در این مرحله پس از آزادی فرد در صورتی که فرد به خانواده خود بازگردد با هماهنگی‌های به عمل آمده مددکار به صورت مستقیم با مددجو و خانواده وی در ارتباط خواهد بود و انجام خدمات مشاوره‌ای و همچنین کاریابی و به کارگیری مددجو را انجام خواهد داد و در صورت وجود مشکلات حاد در خانواده اقدامات لازم را جهت کاهش عوارض ناشی از مشکلات خانوادگی بر فرد به عمل خواهد آورد.

در صورتی که فرد پس از آزادی سرپناه نداشته و فاقد خانواه باشد، علاوه بر اسکان مددجو، در محیط بیرون از کانون، اقدامات لازم از جمله کاریابی و به کارگیری تا کسب استقلال نسبی به عمل خواهد آمد. پس از اشتغال به کار و کسب درآمد، با کمک کانون اقدامات لازم از نظر مالی و اجتماعی جهت تهیه مکان مناسبی برای اقامت مددجو معمول خواهد شد.

در این مرحله همکاری و هماهنگی ارگان‌های درگیر نظیر شهرداری و بهزیستی نیز به عمل می‌آید و نهایتاً یک نوع التزام در فرد برای زندگی سالم و مستقل در جامعه برقرار می‌گردد، در صورتی که فرد پس از آزادی به خانواده خود برگردد و خانواده توانایی اداره و کنترل مددجو پس از آزادی را داشته باشد، مددکاران کانون تا مدت محدودی به صورت غیر مستقیم مانند تماس تلفنی جویای احوال مددجو بوده و در

صورت نیاز، به وی کمک خواهند نمود. در صورت لزوم نیز فرد به مرجع ذیصلاح که قادر به اداره و نگهداری وی باشد، معرفی می‌گردد.

به عنوان نمونه به اداره سرپرستی و بهزیستی معرفی می‌گردد تا در خانه‌های امن و دیگر مراکز تابعه تحت نگهداری و حمایت قرار گیرد. در تمام این فعالیت‌ها عنصر اصلی که وجود دارد، مرحله کاربایی و به کارگیری فرد می‌باشد که تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از بزه‌کاری مجدد فرد دارد، لذا افراد آسیب‌پذیر که دارای خانواده گسسته یا فاقد خانواده هستند و یا افرادی که حاضر به بازگشت به شرایط گذشته خود نیستند، تحت پوشش قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در برخورد با جرائم اطفال، علاوه بر اجرای عدالت، بازسازی، تربیت و اصلاح آنان است. از این رو کنوانسیون حقوق کودک مقرر کرده که «در دادرسی کودکان، اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و اقدامات دیگر، باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع و منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد» (بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک).

مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه به کارگیری مجازات‌های جامعه‌مدار در قبال اطفال بزه‌کار، کنوانسیون حقوق کودک است که جنبه الزامی داشته و به موجب آن کشورهای عضو موظفند در مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های ملی خود از مفاد این سند (از جمله شناسایی کیفی‌های جامعه‌مدار برای پاسخ‌دهی به بزه‌کاری اطفال) پیروی کنند و زمینه‌های پیش‌بینی مجازات‌های اجتماعی در مقررات ملی را به منظور بسترسازی مناسب برای اصلاح و درمان اطفال بزه‌کار و پیشگیری از تکرار جرم فراهم کنند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، معرفی اطفال بزه‌کار به مددکار اجتماعی یا روانشناس، فرستادن آنان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی، جلوگیری از رفت و آمد به محل‌های معین، نهادهای پیش دادرسی، نهادهای ارفاقی و مجازات‌های جایگزین حبس از جمله تدابیر جامعه‌مداری هستند که به موجب آن می‌توان اطفال را در بستر جامعه مجازات کرد تا از این رهگذر هم به اطفال بزه‌کار پاسخ داده شود و هم از پیامدهای زیان‌بار کیفرهای سنتی، مانند حبس اجتناب گردد. بدین ترتیب، پیش‌بینی این‌گونه اقدامات در قلمرو سیاست جنایی ایران، سبب می‌شود که با رویکردی اصلاحی - درمانی به اطفال بزه‌کار پاسخ داده شود. در نتیجه آنان به گونه‌ای مناسب‌تر به سمت بازپروری و عدم گرایش به تکرار جرم، سوق یابند (۹)، زیرا روند جامعه‌پذیری اطفال بزه‌کار به دلیل کوتاهی‌های محیط خانواده، مدرسه و دیگر محیط‌ها به درستی طی نشده است و باید به جای سرکوب، نسبت به حمایت از آنان و ایجاد بسترهای مناسب به منظور برطرف‌ساختن خلأهای فرایند جامعه‌پذیری اقدام شود. به این ترتیب است که در سال‌های اخیر فرایند برخورد با جرائم اطفال جنبه ترمیمی به خود گرفته است، به گونه‌ای که بزه‌کار، بزه‌دیده و والدین آن‌ها با نظارت و همراهی قاضی یا شخص ثالثی از جامعه مدنی تمام تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلاف‌ها و تعارض‌های ناشی از جرم به کار می‌برند، لذا اقدام قضایی متعارف در مورد بزرگسالان کم‌رنگ شده و راهبرد شبه‌قضایی ترمیمی در اولویت قرار گرفته است.

انتخاب شیوه مناسب برخورد با جرائم اطفال بر اساس راهبردهایی که ذکر شد، بر اساس پرونده شخصیت و شرایط طفل بزه‌کار و تشخیص مقام قضایی می‌باشد که اصولاً قطع ارتباط وی با محیط خانواده و جامعه، تأیید نمی‌شود و تا حد ممکن تلاش بر انتخاب راه‌کارهایی غیر از سلب آزادی می‌باشد، اما گاه آرامش و انضباط مؤسسات تربیتی ترجیح پیدا می‌کند که نگهداری در کانون اصلاح و تربیت با رعایت شرایط تأدیبی و تربیتی قابل اعمال خواهد بود.

References

1. Dulacoasta L. European Criminal Policy; an Example of Internationalization of Criminal Penalties at the Regional Level. Translated by Najafi Ebrandabadi AH. In the Proceedings of the Honorable Professor Mohammad Ashouri. Tehran: Samt; 2004. [Persian]
2. Tadayyon A. Comparative Pedophilic Penal Law. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]
3. Hemmat M. The Basics and Necessities of Alternative Imprisonment on Children and Adolescents. Quarterly Journal of Private and Criminal Law 2018; 37. [Persian]
4. Mirkhalili SM. Prevention of the Situational Delinquency by Looking at the Criminal Policy of Islam. Tehran: Islamic Azad University; 2009. [Persian]
5. Lawrence R, Hemmens C. Juvenile Justice. Sage Publisher; 2008. [Persian]
6. Braithwaite J. Restorative Justice. Journal of Legal Research 2006; 4. [Persian]
7. Braithwaite J. Crime, Shame, Rejection. Translation by Sabouhi R. Tehran: Majd; 2017. [Persian]
8. Niazpour AH. Criminal Law of Children and Adolescents. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]
9. Khaje Nouri Y. The Globalization of the Criminal Law of Delinquent Children. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]
10. Jewke Y. Handbook of Prisons. Willan Publisher; 2007.
11. Haji Tabarfiroozjani H. Substitutions of Detention in Iran's Criminal Law. Tehran: Ferdowsi; 2007. [Persian]
12. Najafi Abrandabadi AH. From Children's Rights to Children's law, Children's Pathology in Iran. Tehran: Mizan; 2011. [Persian]
13. Springer D, Roberts R, Albert W. Juvenile Delinquency and Their Proceedings. Translated by Ardebili S. Tehran: Mizan; 2018. [Persian]